

معرفی سه استاندار جدید

استانداران یزد، فارس و خراسان رضوی با معرفی وزیر کشور و تأیید هیئت دولت در جلسه روز گذشته منصوب شدند.



بر این اساس حسینعلی امیری به‌عنوان استاندار فارس منصوب شد. البته پیش از اعلام نام او به‌عنوان استاندار فارس و در روزهای اخیر، برخی خبرها حکایت از معرفی جلال رشیدی کوچی، نماینده مرودشت در مجلس یازدهم برای این جایگاه داشت که چنین اتفاقی نیفتاد. امیری پیش از این معاون پارلمانی رئیس‌جمهور در دولت‌های یازدهم و دوازدهم، قائم‌مقام وزیر کشور در دولت یازدهم و سخنگوی وزارت کشور بوده است. امیری همچنین به مدت شش سال عضو حقوقدان شورای نگهبان بوده است. او از جمله قضاتی است که مناصب مختلف قضایی از جمله دایاری تحقیق، دایاری اظهارنظر، دایاری ناظر زندان، دایاری سرپرستی، معاونت دادستان، جانشینی دادستان، دادستان عمومی، دادستان انقلاب، رئیس دادگاه عمومی، قائم‌مقام رئیس کل دادگستری استان، رئیس شعبه دادگاه تجدیدنظر استان، رئیس کل دادگستری در چند استان و مستشار دیوانعالی کشور و معاونت رئیس قوه قضائیه و ریاست سازمان ثبت اسناد و املاک کشور را تجربه کرده است. امیری همچنین مشاور رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام هم بوده است.



محمد رضا یابانی دره در جلسه هیئت دولت به‌عنوان استاندار یزد انتخاب شد. او پیش از این رئیس اداره امور مالی استانداری یزد در سال ۱۳۷۴، بخشدار اشکدر سال ۱۳۷۵، معاون فرماندار یزد سال ۱۳۷۹، مدیرکل اداری مالی استانداری یزد در سال ۱۳۸۰ و فرماندار مهریز در سال ۱۳۸۳ بوده است. در سال ۱۳۸۵ به‌عنوان معاون پشتیبانی آب منطقه‌ای و عضو هیئت‌مدیره به وزارت نیرو مأمور شد و از سال ۱۳۸۶ به استانداری یزد بازگشت و به‌عنوان معاون برنامه‌ریزی استانداری یزد فعالیت خود را در استانداری از سر گرفت. یابانی هم‌اکنون رئیس بنیاد صدوق بوده و در هیئت‌مدیره شرکت صنعتی و معدنی چادرملو نیز عضویت دارد.



غلامحسین مظفری نیز در جلسه هیئت دولت به‌عنوان استاندار خراسان رضوی منصوب شد. او در سال ۱۳۷۲ در رشته مهندسی کشاورزی به فعالیت در سازمان جهاد دانشگاهی مشهد مشغول فعالیت و در سال ۱۳۷۷، رئیس جهاد دانشگاهی استان خراسان شد. در خرداد ۱۳۷۷ از سوی وزیر کشور وقت، در دولت سیدمحمد خاتمی، به‌عنوان نخستین فرماندار بومی کشور در شهرستان نیشابور آغاز به فعالیت کرد. او تا اسفند ۱۳۷۹ در مقام فرمانداری نیشابور باقی ماند. پس از دوران فرمانداری به سمت معاون برنامه‌ریزی و اداری مالی استانداری خراسان منصوب شد. مظفری در مردادماه سال ۱۳۹۲، با حکم محمدباقر قالیباف شهردار وقت تهران به سمت مدیرعامل بانک شهر منصوب شد و در دولت حسن روحانی، به سمت معاون توسعه مدیریت و منابع انسانی استاندار تهران منصوب شد. سپس غلامحسین مظفری در بهمن ۱۳۹۳ با پیشنهاد علیرضا رشیدیان استاندار خراسان رضوی و با تأیید وزارت کشور به سمت معاون استاندار و فرماندار ویژه شهرستان نیشابور منصوب شد.

جلوگیری پیش از آنکه دیر شود

پزشکیان و ضرورت ترمیم گسل دولت-ملت



محلی فراتر رفته و رنگ و بوی سراسری به خود گرفته است. در این مسیر می‌توان به چهار مقطع اعتراض اشاره کرد:

۱ اعتراضات کوی دانشگاه ۱۳۷۸: جامعه در خرداد ۱۳۷۶ با رسیدن سیدمحمد خاتمی به نقطه‌ای رسیده بود که این تصور را داشت که به نقطه مطلوبی از دموکراسی خواهد رسیده است و می‌تواند با این روند به توسعه سیاسی فکر کند. اما برخورد با روزنامه «سلام» و توقیف این روزنامه در تیرماه ۱۳۷۸ زمینه‌ای برای اعتراضات در کوی دانشگاه تهران فراهم کرد. به عبارتی جامعه اعتراض داشت که بدون رکن چهارم دموکراسی (مطبوعات) نمی‌توان به توسعه سیاسی فکر کرد. در همین راستا اعتراضات از کوی دانشگاه تهران آغاز شد و به دنبال برخورد نیروهای موسوم به لباس شخصی با دانشجویان، به سایر دانشگاه‌ها و خیابان‌های اطراف دانشگاه هم کشیده شد؛ اعتراضاتی که کمتر از شش روز طول کشید و در روز ۲۳ تیرماه به نقطه پایانی خود رسید، هر چند هنوز هم سوالات بی‌پاسخی پیرامون آن وجود دارد و هنوز جامعه به پاسخ این سوال نرسیده است که «سعید زینالی کجاست؟»

۲ اعتراضات انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸: جامعه که به این نتیجه رسیده بود فاصله‌اش با توسعه سیاسی زیاد است؛ در انتخابات ریاست جمهوری دوره دهم به دنبال اعلام شوکه‌کننده نتیجه انتخابات و تمدید حضور محمود احمدی نژاد در دولت، یکبار دیگر دست به اعتراض زد. منتها جنس اعتراض سال ۱۳۸۸ با آنچه در ۱۰ سال پیش رخ داد، متفاوت بود. اگر ۱۰ سال قبل جامعه در تلاش برای رکن چهارم دموکراسی بود، این بار در خواستش پیرامون خود دموکراسی بود و می‌پرسید که «رای من کو؟» اگر ۱۰ سال پیش فضای اعتراض تنها به دانشگاه‌ها خلاصه شده بود، این بار به کف خیابان آمد و مردم به عنوان کنش‌گران سیاسی در آن دخیل شدند و خیابان‌های شهرهای متفاوتی از ایران شاهد صحنه اعتراضات مردم و البته برخوردهایی خشن بود. علاوه بر کشیده شدن اعتراض از فضای محدود دانشگاه به خیابان و همچنین گسترده شدن طیف معترضین، این اعتراض یک ویژگی دیگر در مقایسه با ۱۳۷۸ داشت، تعداد روزهایی که اعتراض در خیابان‌ها صورت می‌گرفت بیشتر بود و به صورت پیوسته بین ۱۰ تا ۱۴ روز کشور درگیر این صحنه‌ها بود و تبعات و ترکش‌های آن تا مدت‌ها ادامه داشت.

۳ اعتراضات گران شدن بنزین ۱۳۹۸: یک دهه از اعتراض گسترده قبل گذشت تا باز هم خیابان‌های ایران شاهد درگیری و اعتراض باشد. اعتراضات سال ۱۳۹۸ که پس از اعلام گران شدن بنزین آغاز شد هم با اعتراض‌های قبلی تفاوت‌های آشکاری داشت. اولین تفاوت این است که فضا از دموکراسی و تلاش

است که در آن، مردم، حاکمیت را مشروع ندانسته، به ناچار، به سلطه حاکمیت، تن در می‌دهند. بی‌اعتدالی متقابل میان دولت و مردم، از ویژگی‌های این شرایط است. این فاصله معنادار و هدفمند میان دولت و ملت، به گسل دولت-ملت تعبیر شده است.»

حالا با توجه به این تعاریف، می‌توان پرسید که آیا در ایران با شکاف و یا گسل دولت-ملت روبه‌رو هستیم؟ شاید بهترین راه برای فهم این موضوع روند و حجم اعتراضات سیاسی و اجتماعی مردم ایران در دهه‌های اخیر و میزان مشارکت سیاسی آنها باشد تا به این سوال پاسخ داده شود که آیا گسل و یا شکاف وجود دارد و در آینده باید چه کرد؟ ذکر این نکته ضروری است که در این پرونده، به سال‌های ۱۳۷۶ به بعد اشاره شده است. به عبارتی از آنجا که در ۱۸ سال ابتدایی انقلاب کشور با موضوع تثبیت انقلاب، جنگ و سازندگی درگیر بوده، شاید بتوان از نیمه دوم دهه هفتاد را بهترین زمان برای آغاز این مطالعه در نظر گرفت.

نشانه‌های انتخاباتی

بدون شک یکی از مهم‌ترین و بارزترین ویژگی‌ها و عناصر نظام‌های جمهوری‌رانی می‌توان مشارکت سیاسی مردم در انتخابات دانست، در واقع این مردم هستند که سرنویشت خود را تعیین می‌کنند و می‌گویند چه فری مدیریت کشور در قوه‌های مقننه و یا مجریه را در اختیار بگیرد. بدون توجه به حاشیه‌ها، نگاهی به سیر مشارکت سیاسی در انتخابات‌های این کشور می‌تواند تصویری مهمی است.

نگاه به سیر مشارکت سیاسی در ایران به‌ویژه از دوم خرداد به بعد نشان می‌دهد که تا سال ۹۸ روند مشارکت به صورت میانگین بالای ۶۰ درصد بوده است (به غیر از دو انتخابات در سال‌های ۸۲ و ۸۶ که مشارکت زیر ۶۰ درصد به ثبت رسید) اما پس از ۹۸ روند به شکلی پیش رفت که مشارکت به زیر ۵۰ درصد آمده است. مشارکت ۴۸/۸۸ درصدی در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ و ۴۰/۶ درصدی در انتخابات مجلس سال ۱۴۰۲ نمونه‌های بارزی از بحرانی است که در این حوزه ایجاد شده؛ بحرانی نگران‌کننده که به صورت کامل نشان می‌دهد روند مشارکت سیاسی در ایران رو به افول است؛ به گونه‌ای که حتی انتخابات زودهنگام ریاست جمهوری در سال ۱۴۰۳ و داغ شدن فضای دوگانه سیاسی هم نتوانست عدد مشارکت را بالاتر از ۵۰ درصد ببرد، چه برسد به اینکه مشارکت به همان مرز ۶۰ درصد برسد.

اعتراضات و نشانه‌ها

طی سال‌هایی که از عمر انقلاب ایران می‌گذرد، هر چند وقت یکبار صحنه جامعه شاهد وقوع اعتراضاتی بوده است که از اعتراضات



فرهاد فخرآبادی

خبرنگار گروه سیاسی

ارتباط دولت و ملت در ایران چگونه است؟ روند و سیر حرکتی جامعه در برابر دولت و سیستم سیاسی در طی دهه‌های اخیر به چه شکل بوده و در صورت ادامه روند موجود، ارتباط آنها به کدام سمت و سو خواهد رفت؟ این پرسش‌های بنیادین را شاید بتوان از مهم‌ترین پرسش‌هایی دانست که پاسخ به آن می‌تواند بیانگر نکته‌های فراوانی باشد. در میان واژه‌هایی که در علوم سیاسی و علوم اجتماعی در عصر جدید مورد استفاده قرار گرفته، یکی از جایگاه‌های ویژه که به نوعی زنگ خطر و هشدار جدی به شمار می‌رود، واژه‌هایی مانند گسل و شکاف هستند؛ واژگانی که در حوزه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد و البته یکی از مواردی که به آن توجه ویژه می‌شود، درباره ارتباط دولت و ملت است؛ دولت-ملت که حالا بین‌اش فاصله افتاده و رنگ اعتماد و مشارکت کم و کمتر شده است. بررسی نظری این واژه‌ها نیازمند تحلیل‌هایی جداگانه است اما برای ورود به بحث، به دو تعریف ارائه شده از گسل دولت-ملت و شکاف دولت-ملت که توسط اساتید علوم سیاسی و علوم اجتماعی ایران مورد استفاده قرار گرفته، اشاره می‌کنیم.

عبدالعلی قوام، استاد سابق علوم سیاسی در مقاله‌ای که سال ۱۳۹۳ با عنوان ارائه یک مدل تحلیلی برای بررسی شکاف دولت-ملت در پژوهشنامه علوم سیاسی نوشته بود، شکاف دولت-ملت را اینگونه تعریف می‌کند: «در واقع منظور از شکاف دولت-ملت به‌عنوان یک مسئله اساسی نظم اجتماعی در سطح کلان، نوعی مشکل در تنظیم رابطه سیاسی بین دستگاه دولت از یک سو و افراد و گروه‌های اجتماعی به مثابه شهروندان یک ملت از سوی دیگر است... اگر مسئله تنظیم سیاسی به درستی در یک جامعه اجرایی نشود، هر یک از ابعاد دچار اختلال شده و نتیجه نهایی چنین اختلالی می‌تواند در مرحله بعد بر شدت اختلالات بیافزاید، شکاف بین دولت و جامعه است.» قاسم ابراهیمی پور، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه هم‌عنوان گسل اجتماعی را انتخاب کرده و در مقاله خود که در سال ۱۳۹۴ با عنوان «گسل دولت-ملت در تاریخ ایران و نسبت روحانیت با آن» در فصلنامه علمی-پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی نوشته است، این تعریف را از گسل دولت-ملت ارائه می‌کند، تعریفی که شاید در مقایسه با تعریف ارائه‌شده توسط قوام، برای جامعه ملموس‌تر باشد. او در تعریف خود نوشته است: «مقصود از گسل دولت-ملت شرایطی